



تیرنگ | Tirang

مجری تبلیغات محیطی و مجازی

گرگان: خیابان امام خمینی (ره)  
آفتاب ۲۴، نبش دارویی دوم

☎ ۰۹۱۱۲۶۸۲۳۵۷ | @ Tirang.Studio | ۰۹۱۷۳۲۲۰۴۶۷۹  
✉ tirang.advertising@gmail.com

سهم بانوان از تعاونی‌های  
فعال کشور هفت درصد است



۲

۴۰ درصد اشتغال گلستان  
تحقق یافت



۳

پرداخت وام مستمری بگیران تامین  
اجتماعی هفته آینده آغاز می‌شود



۳

# گلشانه

روزنامه

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

دوشنبه ۶ شهریور ماه ۱۴۰۲ / سال بیست و پنجم / شماره ۸ / صفحه ۲۵۰۰ تومان

## یادداشت اول

## هفته دولت

■ با مسولیت سردبیر

هفته دولت همواره در کنار شهیدان رجایی و باهنر یادآور تلاشهای کارگزاران دولت برای ارتقای زندگی شهروندان بوده و هست. جدای از هر گرایش و سلیقه سیاسی و به دور از هر نوع مخالفت یا موافقت پذیرش مسولیت‌های اجرایی در دهه اخیر در ایران کاری به غایت سخت و طاقت فرسا شده است. شهروندان اعتماد خود را از دست داده اند و به دولت اعتماد ندارند، افکار عمومی به سمت نقد و انتقاد تیزتر گرایش دارد و پس از اتفاقات سال گذشته این روند روز افزون شده است و این در حالی است که هیچ چشم انداز مثبتی از اصلاح سیاستها و تعامل دولت در سیاست خارجی و همراهی دولت با شهروندان در مسایلی مانند پوشش و یا رفع فیلتر شکن ها نیست. این مشکلات در کنار فشار سنگین اقتصادی و معیشتی و کمبودهایی مانند کمبود آب، برق، دارو و اینک ریزگرد تحریم، کار را بر مدیران پایین دست و میانی که باید مجری بی چون و چرای سیاستهای کلان باشند، سخت می‌کند و فشار مضاعفی را بر آنها می‌آورد. در چنین احوالی باید حال این مدیران را وقتی شهروندی از آنها آب، برق و یا دارو طلب می‌کند و آنها پاسخی ندارند را درک کرد. اما در میان همه این مشکلات دولت در گلستان کامیابی‌ها و کاستی‌هایی داشته است، برای نمونه می‌توان انجام و احتمالاً به پایان رساندن لایروبی خلیج گرگان را که نزدیک به یک دهه ضرورت آن احساس می‌شد را از کامیابی‌های دولت در گلستان خواند و چنانچه استانداری گلستان با هماهنگی دستگاه قضایی پرونده پتروشیمی گلستان را به سامان برساند نیز می‌توان از آن به عنوان موفقیت دیگر دولت در گلستان نام برد، هر چند که این اتفاقات چندان در زندگی شهروندان تاثیری آنی نخواهد داشت اما دو پرونده گره خورده سالهای گذشته در گلستان بوده و هست که بازگشایی آنها راه را بر گره‌گشایی مشکلات دیگر تسهیل خواهد کرد. اما دولت در حوزه اجتماعی و سیاسی در گلستان چندان کارآمد عمل نکرده است...

ادامه در صفحه ۲



۱۱۴ میلیون دلار کالای غیر نفتی  
از گمرکات گلستان صادر شد

« ۸ »



روضة بانوان تبیین گر  
فرهنگ عاشورایی

« ۸ »



سینما

« ۴-۵ »

# مهمان ناخوانده



در نظر گرفت که کیفیت عینی و ذهنی زندگی ساکنین منطقه متأثر از ریزگرد را پایین آورده است. نتایج تحقیقات سالیان اخیر مبین این واقعیت است که این پدیده چرخه نامطلوبی از مسائل در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی را شکل داده که به نوعی سازه چندمعنایی فقر را بازتولید کرده است. در چنین شرایط نامطلوبی، علاوه بر نارضایتی از وضع موجود، بر هم خوردن تعادل نظام زیستی جامعه را شکل داده است. این نوع تغییر اقلیم به حدی بر سبک و کیفیت زندگی مردم تأثیر گذار بوده که از یکسو بستر بی‌اعتمادی به نهادهای مسئول را فراهم آورده و از سوی دیگر پایداری توسعه را در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به شدت تهدید می‌کند.

ادامه در صفحه ۲

کشور یا حتی یک قاره را تحت تأثیر قرار دهد. ریزگرد همچنین گاهی باعث بروز پدیده ماه آبی می‌شود (طول موج‌های کوتاه بازتاب شده از ماه، مانند آبی و بنفش را عبور داده و طول موج‌های بلندتر سرخ را پخش می‌کنند؛ و در نتیجه ماه به رنگ آبی دیده می‌شود). این پدیده از سال ۲۰۰۵ میلادی در استان‌های غربی کشور شروع شده و با افزایش تعداد استان‌های درگیر پدیده تاکنون نیز ادامه دارد. پدیده ریزگردها از یکسو در حوزه محیط زیستی باعث بر هم خوردن تعادل زیستی گونه‌های گیاهی گردیده و از سوی دیگر در حوزه زندگی اجتماعی مردم هم آثار مخربی در ابعاد کسب و کارهای محلی، اجتماعی-روانی و مسائل بهداشتی داشته است. پدیده ریزگردها را می‌توان به عنوان مهمترین عاملی

است. در نوع حاد آن کاهش شدید دید افقی، لغو پروازها و از همه مهم تر سلامتی انسان‌ها را به خطر می‌اندازد (گوهر دوست، ۱۳۸۹). این پدیده زمانی رخ می‌دهد که تبدیاتی با سرعت بیش از آستانه فرسایش بوزد. بروز این پدیده در مناطق برداشت، ایجاد فرسایش خاک و در نقاط دیگر متناسب با قدرت و سرعت باد سبب رسوب ذرات میگردد. زمانی که غلظت گرد و غبار به اندازه‌ای باشد که دید افقی به کم تر از یک کیلومتر کاهش یابد؛ توفان ریزگرد ایجاد شده است. توفان‌های ریزگرد معمولاً از ذرات بسیار ریز (۰/۵ تا ۰/۱ میلی متر) تشکیل شده و در ارتفاع بسیار زیادی از سطح زمین حرکت نموده و مسافت‌های طولانی را می‌پیماید. ریزگرد می‌تواند تعدادی از شهرهای یک یا چند

قربانعلی روشنی \_ بیش از یک دهه است که استانهای جنوب غربی ایران با پدیده شومی به نام ریزگردها مواجه هستند. دامنه این پدیده چنان گسترش پیدا کرده است که به عنوان شایع ترین عامل آلودگی هوا و محیط زیست در مناطق جنوبی کشور تبدیل شده است. اصولاً دولت، جامعه و اقلیم سه بعد اصلی توسعه پایدار هستند که رابطه چندسویه‌ای با یکدیگر دارند. سالها پیش از این برخی متخصصین هشدار وقوع این پدیده شوم در استان گلستان را تذکر داده بودند ولیکن متأسفانه هیچ مدیری آن را جدی نگرفته و اقدامی عملی انجام نداده است!!!

ریزگرد پدیده‌ای است که از ترکیب ذرات ریز و گرد و غبار با آلاینده‌های شهری به وجود می‌آید. این پدیده برای بیماران قلبی و تنفسی بسیار مضر

ادامه تیر اول

ردیف	انواع درگیر	نظامین	برخی مشاهدات
۱	اجتماعی سیاسی	کاهش روابط اجتماعی	کاهش فعالیت‌های گروهی
		تغییر بر آداب و رسوم محلی و فضاهای دورهمی	عدم اعتماد به مسئولین محلی در نتیجه بی‌ثباتی نسبت به مسئله ریزگردها
		بی‌اعتمادی نهادی	بی‌اعتمادی نسبت به دولت مرکزی در نتیجه عدم اقدام جدی برای رفع مشکل ریزگردها در طول یک دهه گذشته
۲	اقتصادی	کاهش نشاط اجتماعی	تغییر سبک زندگی و اوقات فراغت
		زیمنه شکاف بین ملت و دولت	کاهش بازسازی بومی - محلی کودکان و بزرگسالان
		زیمنه نارضایتی	احساس بی‌نوعی و طرد از طرف دولت
۳	بهداشتی روانی	کسای و رکود کسب و کارهای محلی	کاهش بازسازی مدارس و مراکز بهداشتی
		افزایش هزینه های عمومی	کاهش هزینه های محلی
		اختلال در حمل و نقل و ارتباطات	اختلال در حرکت پروازها و اتوبوسها

متاسفانه در سالیان اخیر عدم توجه دولت ها به تغییرات آب و هوایی، فقدان مطالبه گری محیط زیستی توسط آحاد مردم، گرم شدن زمین و تغییرات اقلیمی در اثر برنامه های اقتصادی مخرب دولت ها، سبب تشدید بروز دیده های مخرب اقلیمی - اقتصادی افتادن پایداری اجتماعی - سیاسی و اقتصادی توسعه پایدار گردیده که ذیلا برخی از ابعاد درگیری در مساله ریزگردها همراه با مضامین و برخی از مصادیق آنها (مطالعات یوسف وند و همکاران که در سال ۱۳۹۹ در نشریه علوم و تکنولوژی محیط زیست) آورده شده است:

ادامه یادداشت اول

هفته دولت

مهمتر آنکه انتخابات، بهار فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی است، احزاب گلستان و خانه احزاب در فضای بر ساخته امنیتی به خلسه فرو رفته اند و گوشه نشینی را بر میدان داری ترجیح داده اند و شوربختانه آنکه خبری هم از نهادهای مدنی نیست تا راه را بر فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هموار نمایند. به هر حال امید به روزهای بهتر شرط بقاست. به همه تلاشگران ایران زمین خسته نباشید می گویم و سر بلندی ملتمان را از خداوند یگانه خواهیم.

ناگفته پیداست که توسعه پایدار تحت تأثیر یک چرخه معیوب سه وجهی تغییرات اقلیمی، وجود ساختارهای ناکارآمد مدیریت منابع طبیعی و ضعیف بودن کنشگری فعال زیست محیطی به مثابه یک مطالبه مدنی است. در چنین شرایطی نقش کنشگران اجتماعی و خواص جامعه در مطالبه حق مسلم اجتماعی مردم برای توجه ویژه و آنی دولتمردان و تخصیص اعتبارات لازم جهت جلوگیری از تشدید این پدیده شوم از مهمترین و فوری ترین امور به شمار می رود.

دکترای خاکشناسی و شیمی کشاورزی و عضو هیات علمی موسسه تحقیقات پنبه

# زرناواری موسیقی چند هزار ساله قزلباش

در منطقه برای علاقه مندان می نواختم. با خنده می گوید: در عقدکنان پنج دخترم از موسیقی سنتی زرنا برای شادی مراسم استفاده کردم، این سال ها هم وقتی فرزندان و نوه ها دورم جمع می شوند، برایشان زرنا می زنم. وی اظهار داشت: در گذشته از این ساز بیشتر قزلباش هایی که گوسفند و گاو داشتند یا گالاش و چوپان بودند در دشت و بیابان هنگام چرای دام استفاده می کردند. وی بیان کرد: زرنا مخصوص قزلباش هاست همانند قوشمال خراسان بوده با این تفاوت که آنجا دوتایی نواخته می شود. پسرکلو افزود: بایای قره جانلو و خداوردی کوهی از استادان زرناواری در چند سال گذشته بودند که بدون اینکه به درستی معرفی شوند از دنیا رفتند، حالا هم من از آن جمع باقی ماندم که می دانم بعد از من اگر از این ساز حمایت درستی نشود زرنا به تاریخ خواهد پیوست.

که آن شاخ تراش خورده گاو را در دستانش می گیرد و نی کوچکی به آن وصل می کند، می گوید: موسیقی سنتی قزلباش قدمتی به تاریخ این قوم دارد و نسل به نسل توسط گذشتگان ما به امروز رسیده است. ابراهیم پسرکلو افزود: یکی از آلات موسیقی که از قرن های گذشته توسط قوم قزلباش در مراسم های منطقه نواخته می شد، «زرنا» بوده که از خانواده سازهای بادی است. وی اظهار داشت: شاید به علت اینکه از شاخ حیواناتی همچون گاو ساخته می شد در قوم قزلباش زرنا نامیده شده که از دیرباز هم رواج داشته است. این پیشکسوت موسیقی قزلباش بیان کرد: این هنر را زمان کودکی که در روستای محمدآباد بودم از برادرم یادگرفتم، سال ها آنجا مردم در مراسم های مختلف شادی می نواختند. پسرکلو افزود: از همان روزگار کودکی این زرنایی که ساختم را یادگاری نگه داشتم و سالیان زیادی

استاد ابراهیم پسرکلو با بیش از نیم قرن فعالیت در عرصه موسیقی یکی از مشهورترین زرناواریان قوم قزلباش است که صدای دلنشین سازش علاوه بر نسل های گذشته در زمان حاضر نیز طرفداران زیادی دارد. به گزارش ایرنا، از سالیانهای کنار جاده عبور کرده و در یکی از کوچه های مینودشت زنگ در خانه ای را فشار می دهم. مرد جوانی در را باز می کند و همراهش از پله منزل قدیمی بالا می روم تا مقابل پیرمردی بنشینم که تاریخ شفاهی موسیقی قزلباش گلستان است. در همان بلو ورود، شاخ گاوی توجه مرا به خود جلب می کند که در کنار یک نی کوچک قرار دارد. جوان مرا به پیرمرد که بعدا متوجه می شوم پدربزرگش است، معرفی می کند. آقا جان آمدند درباره زرنا با شما صحبت کنند. سالخوردگی اش به برق اشتیاق چشمانش برای معرفی میراث کهن زرناواری نمی خورد و همانطور

سهام بانوان از تعاونی های فعال کشور هفت درصد است



لیلا حسین زاده - وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت: ۱۰۱ هزار تعاونی در سطح کشور فعال هستند که سهم بانوان از این میزان هفت هزار تعاونی و معادل هفت درصد است. سیدصولت مرتضوی اظهار کرد: تمام همکاران ما در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و فعالان بخش خصوصی به عنوان شرکای اجتماعی تلاش دارند تا سهم اقتصاد تعاون را به ظرفیت اسمی آن برسانند. مرتضوی گفت: در راستای تحقق سند توسعه تعاون، هدف گذاری سهم اقتصاد تعاون در اقتصاد کلان کشور، ۲۵ درصد تعیین شده است. وی یادآور شد: متاسفانه اکنون سهم تعاون در اقتصاد کلان کشور، بسیار اندک و ناچیز و بین ۵ تا ۶ درصد است. وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی خاطر نشان کرد: برای رسیدن به هدف مشخص شده، برنامه های لازم تدوین شده و ما نیز تلاش خود را بیشتر می کنیم. مرتضوی در بخش دیگری از صحبت های خود با اشاره به تسهیلات پرداخت شده به تعاونی ها در سطح کشور، ادامه داد: از محل و ردیف اجزا ۱ و ۲ تبصره های ۱۶ و ۱۸ قانون بودجه، سال گذشته ۱۲۰ هزار میلیارد تومان تسهیلات در اختیار بخش تعاونی قرار گرفته و تلاش داریم در سال جاری و سنوات آتی، این میزان را افزایش دهیم. وی گفت: یکی از سیاست های غیر متغیر وزارتخانه، بنگاهداری در صندوق های بازنشستگی است. مرتضوی اضافه کرد: در این زمینه برنامه داریم تا بخش های صنایع و کارخانجات را به بخش خصوصی اولویت بخش تعاون و اگذار کنیم. وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی تاکید کرد: امیدواریم با برنامه ریزی انجام شده به هدف گذاری صورت گرفته که همانا تبدیل شدن از بنگاهداری به سهام داری برسیم. مرتضوی افزود: همچنین تلاش داریم تا سهم بخش تعاون در اقتصاد کلان کشور در حوزه صندوق های تامین اجتماعی را افزایش دهیم.

سیدضیاء میرحیدری به شماره شناسنامه ۲۲۲۸۳ و کد ملی ۲۱۲۰۲۲۲۵۴۱ صادره از گرگان فرزند سیدقدیر در ۲۷۷۵۰ سهم مشاع از ۴۹۹۵۰۰ سهم شش دانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است ۱۲ - آقای موسی الرضا امیرتبار به شماره شناسنامه ۸ و کد ملی ۲۱۲۳۳۷۸۶۶۲ صادره از گرگان فرزند محمدعلی در ۲۷۷۵۰ سهم مشاع از ۴۹۹۵۰۰ سهم شش دانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت کل عرصه ۵۵۷۴۶ مترمربع از پلاک شماره ۱۸۳ فرعی از ۱۲ - اصلی واقع در اراضی قادرآباد بخش چهار حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می شود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۶/۰۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۶/۲۱ مهدی شاه مهری سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان - شناسه آگهی ۱۵۵۶۰۰۴

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی براب ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۱۴۰۱۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۵۳۶ و آرا اصلاحی شماره های ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۳۳۸ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۵۲۸ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلاعارض کلاسه ۱۴۰۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۰۱۳۸ تقاضای آقای جعفر شایختی به شماره شناسنامه ۳۷ و کد ملی ۲۱۲۳۳۷۸۷۸۴ صادره از گرگان فرزند محمود در شش دانگ اعیانی یک باب ساختمان باضمم چهار و نیم دانگ مشاع از شش دانگ عرصه که جهت یک و نیم دانگ آن قرارداد اوقاف تنظیم شده است به مساحت ۹۷۵۰ مترمربع از پلاک شماره ۱۲ - اصلی واقع در اراضی قلعه حسن بخش چهار حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی رمضان نیک روح به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می شود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۶/۰۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۶/۲۱ مهدی شاه مهری سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان - شناسه آگهی ۱۵۵۶۰۰۹

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی براب ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آرا شماره های ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۵۶۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۵۶۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۵۷۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۵۷۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۵۷۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۵۷۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۵۸۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۵۸۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۵۸۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۵۸۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۵۸۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۵۹۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۵۹۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۵۹۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۵۹۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۵۹۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۰۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۰۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۰۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۰۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۰۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۱۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۱۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۱۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۱۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۱۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۲۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۲۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۲۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۲۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۲۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۳۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۳۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۳۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۳۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۳۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۴۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۴۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۴۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۴۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۴۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۵۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۵۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۵۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۵۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۵۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۶۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۶۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۶۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۶۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۶۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۷۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۷۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۷۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۷۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۷۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۸۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۸۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۸۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۸۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۸۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۹۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۹۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۹۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۹۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۶۹۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۰۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۰۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۰۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۰۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۰۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۱۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۱۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۱۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۱۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۱۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۲۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۲۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۲۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۲۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۲۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۳۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۳۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۳۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۳۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۳۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۴۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۴۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۴۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۴۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۴۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۵۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۵۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۵۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۵۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۵۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۶۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۶۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۶۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۶۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۶۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۷۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۷۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۷۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۷۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۷۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۸۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۸۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۸۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۸۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۸۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۹۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۹۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۹۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۹۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۷۹۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۰۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۰۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۰۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۰۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۰۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۱۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۱۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۱۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۱۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۱۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۲۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۲۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۲۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۲۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۲۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۳۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۳۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۳۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۳۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۳۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۴۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۴۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۴۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۴۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۴۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۵۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۵۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۵۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۵۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۵۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۶۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۶۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۶۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۶۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۶۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۷۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۷۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۷۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۷۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۷۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۸۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۸۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۸۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۸۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۸۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۹۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۹۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۹۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۹۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۸۹۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۰۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۰۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۰۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۰۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۰۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۱۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۱۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۱۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۱۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۱۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۲۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۲۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۲۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۲۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۲۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۳۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۳۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۳۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۳۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۳۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۴۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۴۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۴۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۴۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۴۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۵۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۵۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۵۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۵۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۵۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۶۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۶۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۶۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۶۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۶۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۷۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۷۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۷۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۷۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۷۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۸۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۸۳ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۸۵ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۸۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۸۹ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۹۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۴۹۹۳ و ۱۴۰۲۶۰۳





# گلدن تایم



## یادداشت دیر صفحه

**علی درزی** - این هفته به سراغ فیلم اپیزودیک گلدن تایم به کارگردانی پوریا کاکاوند رفته ایم، فیلم از دوازده اپیزود که با نام های ماه های سال، نام گذاری شده، ولی هیچ یک از اپیزودها از فروردین تا اسفند به لحاظ مضمونی یا موضوعی یا شخصیتی و یا داستانی اشتراکی با هم ندارند، مگر ماشینی بودنشان؛ ماشین عنصر مکانی مشخص و ثابت هر دوازده اپیزود است. ژانر و قالب فیلم یک درام اجتماعی است و به معضلات اجتماعی و تبعات آن پرداخته، معضلات، چیزهای روتین یک اجتماع محسوب می شود، ولی موقعیتی که این معضلات برای شخصیت ها پیش می آورند، آن ها را در یک بزنگاه تصمیم قرار می دهد، تصمیمی که انتخابش می تواند سرنوشت خودشان و یا دیگری را از این رو به آن رو کند.

## لذت شکار شدن!



علی درزی

اگر مخاطب را شکار و کارگردان را شکارچی در نظر بگیریم، پوریا کاکاوند با اسلحه ای مخوف به شکار مخاطبش آمده. پوریا کاکاوند کارگردان فیلم "گلدن تایم" در دوازده فرصت طلایی از زندگی شخصیت هایش، دوازده بار تیرش را به سمت مخاطب پرتاب می کند، اگر نخواهم اغراق کنم، هر دوازده بار تیرش را به تن و جان شکارش می نشانند، اما گاهی به قلب می زند، گاهی به مغز، گاهی هم به دست و پایش. اما چیزی که این شکارچی را متفاوت کرده تیر کارگردان است، تیر دو زمانه، تیری که دو بار عمل می کند!

فروردین: هر نوع داستانی، چه از نوع رمان و کوتاه اش و چه از نوع نمایشی شنیداری و بصری، اگر از یک قانون پیروی کند، یقیناً مخاطب را جذب می کند. از یک مثال کسالت آور داستانی برای مخاطب عموم مثال می زنم، که هم در ادبیات معروف است و هم در سینما، رمان بیگانه آلبر کامو و فیلم ویسکونتی با بازی شگفت انگیز مارچلو ماستریانی و البته حضور آنا کارینا. رمان و فیلم (بعد از فلش بک ابتدایی) با این جمله آغاز می شود: «هادم امروز، مرد. شاید هم دیروز، نمی دانم.» رازی ضربه ای به ژرفنای عمق وجود مخاطبش می

زند، او با نشان دادن بی احساسی نسبت به مرگ مادر شخصیت هر مخاطب عام و غیر عام را میخکوب می کند تا بنشینند، بخوانند یا ببینند که چه اتفاقی قرار است برای این شخصیت سرد مزاج بیوفتند و یا چه شده که به این روز افتاده!

قانون جذب مخاطب در فیلم هم چیزی جز شروع کوبنده با یک غافلگیری در ابتدای فیلم نیست!

گلدن تایم بهترین اپیزودش را برای شروع انتخاب می کند: گرگی در جاده ای صحرایی به روی یک ماشین اسلحه می کشد و اسلحه اش را می چکاند و بعد می شنویم که کارگردان می گوید، «کات آقا کات.» موضوع اپیزود اول در مورد پشت صحنه فیلمی در حال ساخته شدن است و غافلگیری دوم که در ادامه داستان همین پشت پرده رخ می دهد. بعد از اتمام اپیزود تازه تیراژ آغاز می شود، با آن موسیقی هیجان انگیز و فونت جالب نوشته ها، در سینمای خودمان همچین شروعی را در پذیرایی ساده می بینیم. (که در همین صفحه به آن پرداختیم).

قصدم تحلیل، تفسیر و نقد اپیزود به اپیزود نیست (اگرچه فیلم به حق ارزش همچین وقت گذاشتنی را دارد). ولی سعی می کنم در همین فروردین پرده از سلاح مخوف شکارچی بردارم! شکارچی برای شکار ما اول از همه با دست گذاشتن روی برجسته ترین معضلات اجتماعی مثل: خیانت، اعتیاد، بچه های طلاق، عشق یک طرفه، مهاجرت، عشق و پول، بیکاری، فقر، فحشا، و ... که در اپیزود فروردین، فساد اخلاقی در بین اهالی سینماست (سلبیتهی ها)، ما را درگیر قصه اش می کند، انتخاب درست معضل و مشکلات شخصیت ها به همراه غافلگیری اول همان تیری است که هر دوازده بار به مای مخاطب اصابت می کند. اما قدرت و قابلیت سلاح شکارچی به همین قدرت بسنده نمی

کند و با غافلگیری دوم، آن هم در داستانی اپیزودیک و کوتاه، تیرش را در بدن ما منفجر می کند تا یک شکار دست و پا بسته باشیم. شکارچی چنان بی رحم است که بعد از زمین گیر کردن مان، تیر خلاص را هم نمی زند و در بسیاری از اپیزودها پایانش را در ذهنمان نمی بندد، در قساوتی بی رحمانه اجازه می دهد تا در تصور پایانش، قطره قطره خون بدهیم تا بمیریم. البته که چه مرگ لذت بخشی!

خرداد: این اپیزود به لحاظ قواعد انتخاب درست معضلات اجتماعی از جمله: مهاجرت، دختر آزاری، سنت، قوانین غلط و ... و همچنین استفاده از دو غافلگیری و پایانی نیمه باز، بی شک یکی از بهترین اپیزودهاست. اپیزود با این غافلگیری شروع می شود که دختر بر خلاف آنچه که نشان می دهد خریدار اثاثیه دانشجوی مهاجر نیست و نقشه ای در سر دارد و غافلگیری دوم هم این است که پسر دانشجو هم به دختر دروغ می گوید، دو غافلگیری طبق اصل شکار شکارچی که ما را کاملاً زمین گیر می کند، و این که آیا دختر می تواند تا چهل و نه روز دیگر با این نقشه از چنگ پدر کارت قرمزیش بگریزد یا خیر؟

من این فیلم را دهن کجی به سینماگران اجتماعی ایران می دانم، نود درصد فیلم های درام اجتماعی سال های اخیر در حد و اندازه اپیزودهای کمتر از ده دقیقه "گلدن تایم" هم نیستند، مثلاً "سه کام حبس" سامان سالور؛ فیلم پر فروش این ژانر که اخیراً هم دیدم. وقتی آن را با اپیزود آذر "گلدن تایم" مقایسه می کنم، فقط می توانم سر تاسف تکان بدهم که چرا پول و وقت و اعصاب خودم را خرج مزخرفی چون سه کام حبس کردم. یکی دیگر اپیزودهای طلایی این فیلم، اپیزود خرداد بود، به نظرم نه تنها دنیای هائیکه را در خودش بلعیده بود، بلکه به لحاظ روانشناختی، آسیب شناسی اجتماعی، تربیت

کودک، طلاق و خیلی از مسائل دیگر به درستی قصه نشانمان داد، قصه ای به بلندای یک تراژدی!

بازی های متوسط و گاهی ضعیف فیلم در بسیاری از سکانس ها مشهود بود، البته بازی سکانس خرداد بسیار قوی بود. از اپیزودهای بدبازیگر می شود مرداد را نام برد. با بازی بد زنده یاد کیومرث پوراحمد و بازی افتضاح هوشنگ گلمکانی (منتقد سینما، مدیر مسئول و صاحب امتیاز ماهنامه فیلم و البته اهل گرگان)

صدا برداری و صداگذاری فیلم هم به شدت دچار ضعف بود، طوری که بسیاری از دیالوگ های مهم به سختی شنیده می شد. فیلم به لحاظ چینش دیالوگ دچار ضعف های زیادی بود، دیالوگ مانند روند یک فیلم نامه باید اوج و فرود و لحن و تکانه داستانی را رعایت کند، کلمات باید به درستی در سکانس جایگذاری شوند، برای مثال در همان سکانس تیر اگر دختر روی دیالوگ: «بهت نمیداد دروغ بگی!» تاکید می کرد و یا پسر آن را تکرار می کرد و یا جوابش را می داد، کل ساختمان سکانس فرو می ریخت و ما با یک سکانسی مواجه می شدیم که سه بستنی را پشت سر هم به خورد ما داده، (یعنی دختر فهمیده که پسر دروغ گفته) اما با یک ادای کلمه محو و غرولند گونه این دیالوگ را می گوید که به جان سکانس می نشیند (دختر باور می کند و دست از سرش برمی دارد). ولی در اسفند رعایت اصول دیالوگ نویسی و اجرای آن کاملاً برعکس رخ می دهد، نه می تواند چرخش ناگهانی را باورپذیر نشان بدهد و نه می تواند دیالوگ ها را به جان قصه بنشانند. یقیناً ما از رنج و مشقت های پشت صحنه به ثمر نشستن این اثر آگاهی نداریم، همینکه بدانیم پروسه تولید این فیلم دو سال به طول انجامیده و در هنر و تجربه به نمایش درآمده، نشانگر خیلی از ناگفته هاست.

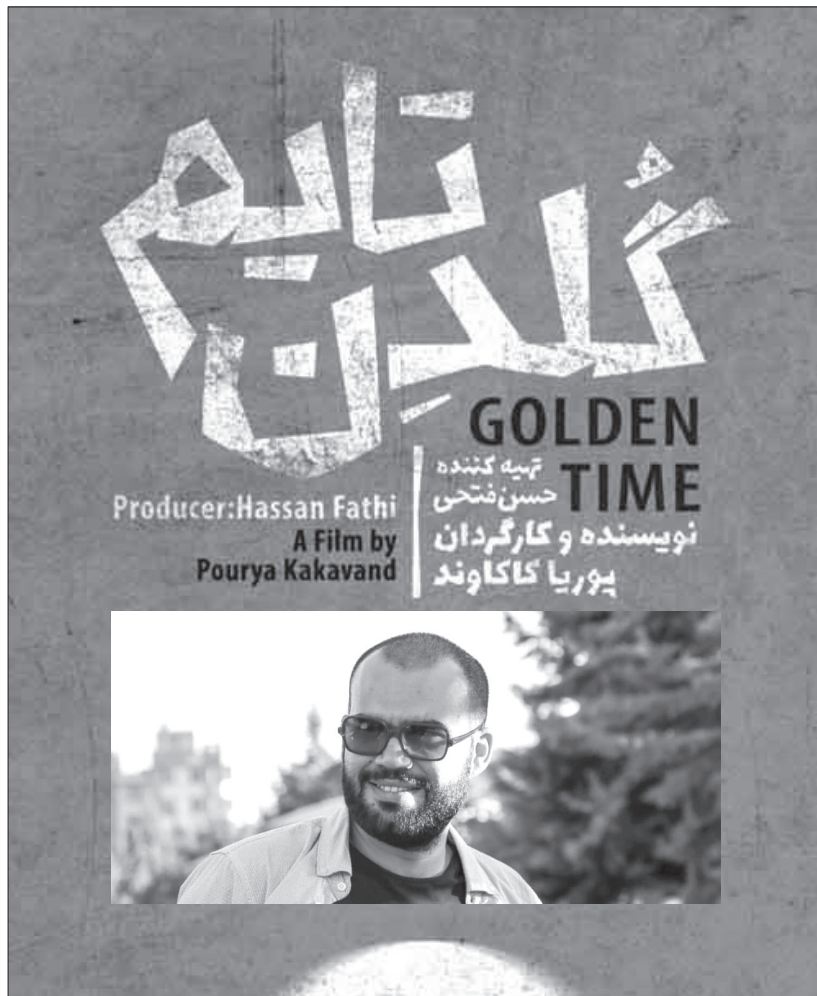
عطف، مرز میان  
طلوع و غروب

ماهور حاتمی

"گلدن تایم" زمان طلایی پس از طلوع و پیش از غروب. پوستر فیلم هم به چیزی در این حدود اشاره دارد. خورشیدی نیمه بیرون، نیمه مخفی، در اتمسفر سرخ رنگ آسمان. خورشیدی که اگر بیرون بیاید روشنی حاکم و زمانی که مخفی می شود در تاریکی فرو می رویم. این بازه زمانی، فرصتی برای زیستن است که با کش آمدن به ماه و سال می رساند آدم را. کاکاوند قصه هایش را به گونه ای زیسته ست که هر ماهش تراژدی دردناکی با خود تجربه کرده و در این تجربه ها مخاطب به همزاد پنداری تن می دهد. لوکیشن خودرو درست همان جایی است که مخاطب در آن می نشیند و به قضاوت کردن و قضاوت شدن محکوم می شود و بس. دیگر فضاها خود به خود با کمک طرح موضوع و روایت داستان ساخته می شود بی آنکه تصویری از لوکیشن دیگری ببینیم. مخاطب در خیال خود در ذهن خود و در قلبش فضاهای دیگر را ترسیم کرده و وجنات آن را درک میکند. با این همه اما مخاطب نه راه پس دارد نه راه پیش این تمام آن چیزی است که دستش را خواهد گرفت؛ لوکیشن خودرو. می نشینیم و به عنوان بازیگر، شاید بعنوان دستیار کارگردان در فروردین و یا زنی که به او خیانت شده اما خود را مقصر می داند، در دی ماه، نقش خود را تا آخر ایفا می کنیم. چه میتوانیم بگوییم؟ مثلاً بگوییم من اگر بودم این جا را این طور نمی کردم و یا آنجا را طور دیگری مدیریت میکردم؟ یا بدتر از آن، بگوییم من اگر بودم کلا یک تصمیم دیگر میگرفتم؟ انتخاب سوم از میان تنها دو حق تصمیم!

تمام سال، هر دوازده ماه، در فرصتی محدود، همه چیز باید طوری رقم بخورد که شخصیت ها معرفی، شناسنامه دار و محق در تصمیم گیری بشوند. لوکیشن محدود به خودرو، با دوربینی که کمترین تکانه و حرکت را در ابعاد و اندازه دارد، دیالوگ هایی دقیق، وافی اما کافی برای بُعد بخشی به موضوعی که در هر اپیزود به آن پرداخته شده است، رویارویی شخصیت در موقعیتی خطیر برای تصمیم گیری در انتهای ترین زمان طلایی و انتخابی بی بازگشت، همه این ها چیدمانی درست برای رسیدن به اوج مخاطب محور بودن اثر است. من اگر جای زن بودم از روی ضارب همسر عبور میکردم؟ من اگر بودم قلبش را اهدا میکردم؟ اگر من بودم انگشتر مادرش را پس میدادم؟ اگر تو بودی چه؟ با قفل فرمان ترتیب همسر خیانت کارت را میدادی یا معشوقه اش را به بیمارستان منتقل میکردی؟

اینکه ایناگرام شخصیت های کاکاوند درست در حلقه و مدار خویش سقوط یا صعود کردند را می شود از تصمیمی که در گلدن تایم اتخاذ می کنند درک کرد. البته که این درک و رضایت زمانی ایجاد میشود که شخصیت در حرکتی رو به جلو و یا به عقب، خودش رفتار درست در پیش گرفته باشد. درست



## داستان ماشین ها



محمد صالح فصیحی

گلدن تایم، از چند داستان کوتاه تشکیل شده، که محوریت تمام آنها یک ماشین است. بالاخره یک ماشین هست تا شما توش یا بیرونش یا بالاش باشی و داستان روایت شود. داستانهای کوتاهی که روایت میشود، پیوستگی مضمونی ندارند، و هم گاهی یکی پایان بسته دارد و یکی باز. حالا ما میتوانیم دو کار کنیم. یکی اینست که سعی کنیم به ساختار کلی داستانها دست پیدا کنیم، برای یکی اینست که یکی از داستانها را بررسی کنیم. به این مورد دوم، من از اولین داستان استفاده میکنم. به این خاطر که بیشتر به مقوله ی سینما مربوط است و دوربین هم برعکس داستانهای دیگر، حرکت دارد، و کات ندارد درین حرکتش. مثل کارهای مکرری. قبل از آن یک نکته را بگویم، و آن اینکه در نقد یادداشت، و خصوصا در نقد، خلاصه ی داستان، ضرورت زیادی ندارد. چرا که اگر کسی فیلم را دیده، پس میداند چه شده و چه نشده، و اگر کسی هم ندیده، خلاصه تا جایی به کار میآید که او جذب شود به دیدنش، و یا اینکه ضرورت داشته باشد برای فهم نکات نقد. در داستان اول، قرار است صحنه ای فیلمبرداری شود، که مردی میآید وسط جاده، و رو به راننده ای که از جلو میآید

یعنی بر اساس آنچه به کمک دیالوگ و ری اکشن شخصیت به مخاطب انتقال یافته است باور پذیری را به همراه آورده باشد. که یعنی با توجه به آنچه نشانم دادی حرکت آخر شخصیت و تصمیم گیری نهایی اش راهی برای بازگشت مخاطب، به صدر اضطرار و موقعیت اولیه کارکتر، برای بازبینی، نگذارد. انتخاب دوازده ماه، هر ماه رنجی در خود دارد. زمان، حساس ترین زمان میان روشنایی و تاریکی. لوکیشن، خودرویی در هر جا. شخصیت ها، هر کس. خانه دار، فراری، قاتل، موادفروش... نما، غالبا لانگ. دیالوگ پر حجم و مطلع کننده و آمیبانس و موسیقی که حساس ترینش تیک تاک ساعت در اپیزود دی ماه است. همه اینها کشته اند خودشان را تا شخصیت در خانه اخرش بایستد واز میان دو راه و فرصت انتخاب، تصمیمش را بگیرد. که ببخشد؟ بگذرد؟ گذشت کند؟ پس بدهد؟ یا بکشد؟ روایت قلابی ست در دهان مخاطب. جذابیت گلدن تایم در بی تکراری بازیگرانش هم بود. اما بازی بازیگران و یا بهتر بگویم اتمسفر و میزانش بازیگری و حتا نوع دیالوگ ها در قصه مراد را ضعیف می دانم. دیالوگ ها با آن اوج و فرود. انتهای داستان هم لوس و کلیشه ای بود. کمتر پیش می آید که فقط بشود با دیالوگ محور نوشتن فیلم نامه، تولید رضایت مندانه باشد اما در برخی از اپیزود ها جذابیتی دو چندان داشت. مخصوصا ماه اسفند، کشمکش میان کاراکتر ها، دیالوگ های درغایت خود، حرکت به سوی سوژه، دستگیری و مرتب کردن لباس های سوژه که بی شک احساسات مخاطب را بر انگیزته ست و بعد تر نمایی از آن سکوی کش آمده ی اسکله، که دلت می خواد تا ابد کش بیاید و گلدن تایم آخرین ماه سال که رو به تاریکی دیوانه کننده می رود. اما از طرفی دیگر شاید بگویی زودتر خلاصش کنند و تمام شود این فصل سرما زده بی احساس اسفند





## روضه بانوان تبیین گر فرهنگ عاشورایی

مردم گلستان از دیرباز تاکنون آیین‌های گوناگونی برای زنده نگه داشتن قیام حسین (ع) برگزار می‌کنند

که با تلاش مداحانی همچون سیده خانم در روضه‌های خانگی تبدیل به فرهنگ عمومی می‌شود. نزدیک غروب شده و همراه این بانوی مداح به منزل خواهر شهیدی می‌رویم. حوا رحبی می‌گوید: بیش از ۲۰ ساله که سفره‌ای به نیت ظهور آقا امام زمان (عج) و تبیین فرهنگ حسینی برگزار می‌کنم و به راستی این مهم جز به یاری سیده فاطمه و مداحانی امثال ایشان محقق نمی‌شود. وی افزود: در روضه‌های خانگی در کنار برپایی مراسم‌های عزاداری، سیده فاطمه افزایش گرایش بانوان را به نذرهای فرهنگی و اجتماعی در راستای حل مشکلات شهروندان شهرمان دارد.



بودند و بعد از اینکه خودم و اطرافیانم حاجت‌های بسیاری گرفتیم هر سال در تاریخ مشخصی همانند امروز روضه برگزار می‌شود. زهرا غنی ثابت که بیش از ۵۵ سال دارد، افزود: در کنار برگزاری روضه‌های خانگی سیده خانم در کارهای فرهنگی همچون جمع‌آوری کمک برای نیازمندان و موارد دیگر هم پیش قدم بوده و بانوان را با خود در این مهم همراه می‌کند. همراه سیده خانم وارد منزل دیگری می‌شویم که هر نقطه از دیوار آن عشق حسین (ع) با پرچم‌های سبز و سیاه منقش شده است، مهرنسا پسرکلو که هر سال روضه‌های خانگی را برگزار می‌کند، گفت: چند سال متوالی توسط سیده فاطمه روضه‌هایی را در منزل برگزار و ثواب آن را به روح همسر عاشق اهل بیت (ع) بود و من هم به پیروی از ایشان روضه‌های خانگی را در منزل برگزار می‌کنم. وی بیان کرد: فرهنگ حسینی زمینه‌ای برای قرآن محوری بوده

داشت: آیین معنوی روضه‌های خانگی حال و هوای خاصی برای همه حاضران ایجاد می‌کند و برای بیان ارزش‌های الهی و تبیین گری درست این آیین‌ها ظرفیت ویژه‌ای هستند. این مداح پیشکسوت گفت: در این روضه‌های خانگی علاوه بر مداحی، نوحه خوانی، برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی و معرفتی ویژه‌ای هم انجام می‌شود. مصطفوی افزود: اوایل انقلاب رسالت خود را بر تبیین، برگزاری روضه‌های خانگی و مداحی دانستم و تا به امروز پیوسته و هر روز در این راستا گام برداشتم. همراه سیده فاطمه خانم وارد یکی از روضه‌های خانگی شهر می‌شویم، حدیث کسا بین بانوان پخش می‌شود و همه همراه با سیده فاطمه شروع به خواندن می‌کنند. یکی از بانوانی که بیش از ۲۵ سال در منزل خود روضه‌های بسیاری را به طور ثابت برگزار کرده، می‌گوید: از ابتدای جوانی روضه‌های مختلفی را در منزل برگزار می‌کردیم که خانم مصطفوی مداح مراسم

سیده فاطمه مصطفوی اهل شهرستان مینودشت که از جوانی با برپایی روضه خانگی دل در گرو خاندان اهل بیت داد و از همان سال تاکنون که در آستانه ۶۰ سالگی گرد پیروی بر سرش نشسته، این مجالس و محافل را در خانه‌های این شهر برپا می‌کند و نامش در میان بانوان مینودشتی با روضه‌خوانی اهل بیت عجین و همتراز است. به گزارش ایرنا، روضه خانگی یکی از سنت‌های دیرینه بانوان ایرانی است که در ایام عزای ائمه اطهار در محرم و صفر برپا می‌شود و خانواده‌ها در حد توان خود به برپایی عزرا در منزل خود مبادرت می‌کنند. مراسم عزاداری‌های محرم و صفر، بیش از یک هزار و ۴۰۰ سال است که به سبک و سیاق مختلف در زمان‌ها و دوران‌های مختلف برگزار می‌شود. سیده فاطمه خانم همراه نور ملازم خورشید از پشت آسمان ابری آخرین ماه تابستان که با خود نشانی از گرما ندارد از کوچه‌های دوستی مینودشت می‌گذرد و به خانه‌های منتظر برپایی روضه خانگی قدم می‌گذارد. در و دیوار خانه‌هایی که روضه دارند با اشعاری حماسی در مدح شهدای کربلا آراسته شده و پرچم‌های سبز و سیاه بر ورودی منازل نصب بوده تا مردم از مراسم عزاداری مطلع باشند. سیده فاطمه مصطفوی می‌گوید: شصت سال از خدانود عمر گرفته‌ام و از زمانی که وارد ۱۹ سالگی شدم به عنوان یک بانوان مداح در عرصه مداحی و روضه خوانی مشغول فعالیت شدم. وی افزود: ادعیه و مناجات خوانی، نوحه خوانی و بصیرت‌افزایی بانوان از جمله محورهای بوده که در روضه‌های خانگی بسیار مورد توجه است. وی اظهار

### ۱۱۴ میلیون دلار کالای غیرنفتی از گمرکات گلستان صادر شد



مدیرکل گمرکات گلستان از صادرات افزون بر ۲۰۹ هزار و ۲۷۴ تن انواع کالای غیرنفتی از مبادی گمرکی این استان به ارزش ۱۱۴ میلیون و ۲۶۱ هزار و ۵۰۳ دلار از ابتدای امسال تا پایان مردادماه جاری خبر داد و گفت: این میزان صادرات به لحاظ وزنی ۴۴ درصد و به لحاظ ارزش دلاری ۳۲ درصد بیشتر از مدت مشابه سال قبل است. شهیریار شهرداری بیان داشت: تخم مرغ، پلی استایرن، پنیر، انواع لوله آهنی و پروفیلی، خوارک آماده آبزیان، ورق نئوپان، طاقه نایلون، قطعات سوله، مفتول مسی، کامپاند پلی اتیلن و میلگرد ۱۰ کالای عمده صادراتی گلستان طی پنج ماه گذشته بوده است. وی اضافه کرد: این کالاها به ۲۱ کشور جهان از جمله ترکمنستان، عراق، قزاقستان، ازبکستان، رومانی، روسیه، افغانستان، پاکستان، بلغارستان، ارمنستان، تاجیکستان، ترکیه، هند و قرقیزستان صادر شد. شهیریار به حجم کالاهای وارداتی از طریق گمرکات گلستان در پنج ماه گذشته هم اشاره کرد و افزود: در این مدت حدود ۳۵ هزار و ۳۳۷ تن انواع کالا به ارزش ۶۹ میلیون و ۴۳۰ هزار دلار از طریق گمرک مرزی اینچهبرون وارد استان شد که به لحاظ وزنی ۲۸۳ درصد و به لحاظ ارزش دلاری ۲۸۹ درصد بیشتر از مدت مشابه سال قبل بوده است. مدیرکل گمرکات گلستان، فوتس اوایل، بخشی از تجهیزات خط تولید پلیمر اسپون، سدیم سولفات، دانه روغنی کلزا، پارچه متقال، تجهیزات گلخانه‌ای، دیزل ژنراتور و کک نفت تکلیس شده را از عمده کالاهای وارداتی به استان از ابتدای امسال تا پایان مردادماه ذکر کرد و بیان داشت: این کالاها از ۲۰ کشور مختلف از جمله چین، ترکیه، ترکمنستان، انگلستان، قزاقستان، هند، روسیه، ازبکستان، تاجیکستان، تایلند، استرالیا و آلمان وارد کشور شده است. وی همچنین در خصوص حجم و ارزش ترانزیت خارجی از گمرکات گلستان در پنج ماه گذشته بیان کرد: در این مدت هزار و ۲۲۷ فقره اظهارنامه به وزن تقریبی ۲۴ هزار و ۱۵۷ تن انواع کالا و به ارزش ۱۴۳ میلیون و ۷۱۳ هزار دلار از گمرک اینچهبرون با عنوان ترانزیت خارجی انجام شد که از نظر وزنی ۱۳۰ و از لحاظ ارزش دلاری ۲۹۱ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل رشد داشته است. شهیریار، درآمد وصولی گمرکات گلستان در مدت اشاره شده امسال را حدود هزار و ۹۹۰ میلیارد ریال اعلام کرد و گفت: این میزان درآمد ۲۴۴ درصد بیشتر از مدت مشابه سال قبل است.

محصولات کشاورزی، بهینه‌سازی مصرف آب و آفت‌کش‌ها، توسعه کنترل بیولوژیک، مدیریت تلفیقی آفات، بیماری‌ها و علف‌های هرز، تغییر اقلیم و تنوع زیستی از جمله آن است. وی ادامه داد: طرح‌های تحقیقاتی این موسسه بر پایه پیامد محوری است تا مشکلات بخش تولید کشاورزی استان‌ها حل شود. وی افزود: به دنبال این هستیم که تحقیقات سفارشی توسط دستگاه‌ها از جمله معاونت‌های جهاد کشاورزی و بخش خصوصی در این موسسه افزایش یابد. به گفته نعیمی، از مجموع حدود ۳۰۰ پروژه تحقیقاتی در دست اجرای این موسسه، حدود ۷۰ پروژه سفارشی و تقاضا محور است.

### بهینه‌سازی مصرف آب هدف مهم موسسه گیاه پزشکی کشاورزی است

رئیس موسسه تحقیقات گیاه پزشکی کشاورزی کشور گفت: بهینه‌سازی مصرف آب و آفت‌کش‌ها از جمله اهداف مهم و نتایج مورد انتظار اصلی از انجام تحقیقات گیاه پزشکی در راستای ظرفیت‌های موجود و پایداری تولید محصولات کشاورزی در استان‌ها است. شهرام نعیمی اظهار کرد: برنامه گیاه پزشکی کشاورزی برای چهار سال آینده تدوین شده که ارتقای سلامت

مدیرکل گمرکات گلستان افزود: این قطار که ۳۶ کانتینر دارد مسیری دیگر برای ارسال کالا از طریق کریدور حمل و نقل بین‌المللی شمال-جنوب از ایستگاه فارماچووا از طریق مرز «آکیلا» (ترکمنستان) - مرز ریلی اینچهبرون» (ایران) انتخاب کرد. وی بیان کرد: مسیر جدید امکان کاهش چند روزه زمان تحویل را فراهم می‌کند و امکان ارسال قطارهای کانتینری از ایستگاه‌های راه‌آهن اورال جنوبی به سمت بندرعباس از طریق مرز ریلی اینچهبرون و سرخس را افزایش می‌دهد. شهیریار گفت: همچنین با کاهش تعرفه، هزینه ارسال کالا از طریق کریدور شمال جنوب تقریباً به نصف کاهش یافت.

### نخستین قطار کانتینری روسیه از اینچهبرون عازم عربستان شد

غزاله صیدانلو - مدیرکل گمرکات گلستان گفت: نخستین قطار کانتینری روسیه به ایران از مرز ریلی اینچهبرون به بندرعباس راه اندازی و عازم عربستان شد. شهیریار شهیریار گفت: نخستین قطار کانتینری روسیه به ایران از مرز ریلی اینچهبرون به بندرعباس راه اندازی و عازم عربستان شد.



